

# نقش اصلاحی عالمان شیعه در دوره صفویه

سید محمود مرعشی نجفی

«دستاوردهای بزرگ حکمای شیعه در اواخر دوران صفویه، چون ملا محمد تقی و ملا محمد باقر مجلسی، همان ترویج آیین تشیع و تعمیم اخبار و احادیث در زبان رایج مردم بود. آنها می‌دانستند که برای دست‌یافتن به مردم باید از زبان مردم سود جویند و ساده‌نویسی کنند.»<sup>۱</sup> او با شمردن برخی از آثار فارسی این بزرگواران، سبک آنها را بسیار ساده و روان و عاری از تکلف می‌داند.

ملک‌الشعرا نیز می‌نویسد:

«مهمترین کاری که مجلسی کرده است، بعد از تألیف بحارالانوار، که دائرةالمعارف شیعه امامیه اثنی عشریه است، تألیف مجموع کتب دینی و اخلاقی شیعه است به فارسی ساده عوام‌فهم، که تا آن روز اهل علم چنان کاری نکرده بودند.»<sup>۲</sup> حقیقت آن است که پیش از آنها و در کنار آنها نیز صدها عالم شیعی متون حدیثی، فقهی و تفسیری را به فارسی برگردانده بودند تا مردم بتوانند از آنها بهره‌مند شوند.

قدم دیگر این بود که برای مقابله با اندیشه‌های درویشی، مردم از نزدیک با اخلاقیات و آداب اسلامی آشنا شوند. این مسائل ممکن است امروزه به نظر برخی از تنگ‌نظران بی‌ثمر و صاف شود، اما روزگاری که درویشی‌گری به معنای بی‌توجهی به آداب اسلامی و حتی نظافت بود، حلیه‌المتقین، عین‌الحیاء، حیات‌القلوب، حق‌الیقین و جلاء‌العیون، مردم را از نزدیک با

نقش عالمان شیعه در اصلاح جامعه ایران در عصر صفوی، آن‌گاه روشن خواهد شد که ماهیت فساد و تباهی در جامعه آن روز را بشناسیم. یکی از ابعاد این فساد، که هم صفویان نخستین و هم توده مردم ایران پیش از روی کار آمدن صفویان گرفتارش بودند، مظاهر زشت زندگی درویشی و صوفیگری منحط بود. مهمترین مشخصه این حرکت، بی‌اعتنایی به شریعت، ترویج عقاید انحرافی و سرگرم ساختن مردم به قصه و داستان بود، که درویشان و قصه‌خوانان برای مردم بیان می‌کردند. آنان شناختی از شریعت نداشتند و تحت لوای طریقت دروغین، نه اصیل، طریقه‌ای ساختگی در میان مردمان شایع می‌کردند.

آنچه در برابر این وضع می‌بایست صورت می‌گرفت، انتقال درست مفاهیم دینی و ترویج شریعت در میان مردم بود. عالمان شیعه در دوره صفوی این نقش را بر عهده گرفتند و موفق شدند باز دودن رنگ و زنگ تصوف دروغین از جامعه، شریعت و فقه را در میان مردم گسترش دهند.

گفتنی است برخی علمای شیعه، که عرب‌زبان و از اهالی جنوب لبنان و شامات بودند، نگارش به زبان فارسی را، برای ارتباط نزدیک با مردم، مد نظر داشتند و از آن بهره‌کافی گرفتند. بسیاری از علمای شیعه، متون کلامی، فقهی و تفسیری را به زبان فارسی نوشتند؛ و از این طریق، مردم را با متن شریعت آشنا کردند. بسیاری از کتب روایی به فارسی ترجمه شد؛ و مجموعه‌های حدیثی به زبان فارسی تدوین و انتشار یافت. إدوارد براون درباره خدمت علما به زبان فارسی می‌نویسد:

۱. تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ص ۳۶۳.

۲. سبک‌شناسی، ۳/۳۰۵.

آنجا آورده است: «به درستی که دورترین قصه‌خوانان از راستی و درستی، و نزدیکترین ایشان به عذاب و عقاب الهی، آن کسانی‌اند که دروغ می‌گویند و افترا می‌زنند بر حضرت امام محمد باقر علیه السلام و آباء گرامی آن حضرت علیهم السلام. ابو مسلم مروزی مردی فاجر بود. او شیعه نبود و به امامت امامان اعتراف نکرد؛ و از سخت‌ترین مخالفان ایشان بود.»

صاحب انیس المؤمنین<sup>۱</sup> درباره قصه‌خوانان می‌نویسد: بی‌شک قُصَّاصُ خُرَّاصِ فریبنده گروهی بوده‌اند در شمار زیانکاران گمراه‌کننده طایفه قصه‌خوانی؛ و علی‌رغم مخالفت علمای شیعه، ادامه یافت. این به دلیل آن بود که از پیش، رسوخ قابل ملاحظه‌ای در جامعه داشتند و امکان از بین بردن آن در مدتی کوتاه وجود نداشت. با این حال، علمای شیعه، که نقش این تحریف‌گران را در گمراه ساختن مردم احساس می‌کردند، در برابر آنها مقاومت کردند. این حرکت همچنان تا اواخر دوره صفوی ادامه داشت.

در اواسط قرن یازدهم هجری، مجدداً بحث و تألیف درباره ابو مسلم اوج گرفت. این بدان دلیل بود که ابو مسلم قهرمان ابو مسلم‌نامه بود و از وی تبلیغ زیادی صورت می‌گرفت. در واقع، داستانهای ابو مسلم با برخی از وقایع تاریخی مربوط به امامان علیهم السلام آمیخته شده بود. جلد میان برخی از عالمان درباره شخصیت ابو مسلم بالا گرفت؛ و کتابهای زیادی به زبان فارسی در این باره به نگارش درآمد. نام هفده اثر از این دست کتابها بر روی نسخه‌ای از یکی از این کتابها آمده، که شیخ آقابزرگ نام آنها را در الذریعة آورده، و عبارت‌اند از:

۱. ازهاق الباطل؛ ۲. أسباب طعن الحرمان؛ ۳. اظهار الحق و معیار الصدق؛ ۴. انیس الابرار صغیر؛ ۵. انیس الابرار وسیط؛ ۶. انیس الابرار کبیر؛ ۷. ایقاظ العوام؛ ۸. خلاصة الفوائد؛ ۹. درج اللتالی؛ ۱۰. صحیفة الرشاد؛ ۱۱. صفات المؤمن والکافر؛ ۱۲. علة إفتراق الامة؛ ۱۳. فوائد المؤمنین؛ ۱۴. مثالب العباسیة؛ ۱۵. مخلصه المؤلفین من سلم حب المخالفین؛ ۱۶. مرآة المنصفین؛ ۱۷. النور و النار.

آقا بزرگ پس از ذکر این کتابها می‌گوید: تا آنجا که ما اطلاع داریم، تنها دو کتاب، یعنی اظهار الحق و صحیفة الرشاد،

معارف اسلامی آشنا می‌کرد. این کتابها قرن‌ها، کتاب دم دستی مردم مسلمان ایران بود و جامعه را با اصول و فروع دین و تاریخ اسلام و امامان شیعه علیهم السلام آشنا می‌ساخت. البته حفظ متون اصیل دینی، نگارش شروح عالمانه بر متون پیشین حدیثی و فقهی و تدوین مجموعه‌های گرانها در همه زمینه‌های دین‌شناسی، از دیگر اقدامات عالمانه و شایسته آن بزرگواران بود.

برای رها کردن مردم از خرافات و انحرافات، لازم بود دین درست و دیدگاههای اصیل امامان معصوم علیهم السلام میان مردم انتشار یابد؛ و از رواج دروغها و اخبار تاریخی نادرست، که می‌توانست در گمراهی مردم مؤثر باشد، جلوگیری شود.

یکی از این انحرافات، رواج داستان‌سرایی و قصه‌گویی میان مردم بود. درویشان و برخی از قصه‌خوانان حرفه‌ای، اباطیلی را به منزله تاریخ دوره اسلامی به هم می‌بافتند و با درآمیختن آنها با قصه‌های ایرانی و اساطیر، در هرکوی و برزن، آنها را بر مردم عرضه می‌کردند.

علمای شیعه - که از لحاظ علمی در برابر صوفیگری منحرف ایستاده، و علی‌رغم میل برخی از شاهان صفوی شدیداً بر ضد صوفیه فتوا داده بودند و کتابها می‌نوشتند - در این جانیز در برابر قصه‌سرایهای صوفیان وابسته به مکتب اردبیل ایستادند و حرکت عالمانه‌ای را در این باب آغاز کردند. این حرکت از اوان نفوذ علمای شیعه در دوره صفوی تا این اواخر ادامه داشت. اینک مروری بر آن داریم و پاره‌ای از کتابها و رساله‌هایی را که در این باره تألیف شده، برمی‌شمریم.

اولین فقیه شیعی که در عهد شاه اسماعیل و شاه طهماسب قدرتی در ایران یافت، محقق کَرَکی بود. وی که مخالف درویشی و صوفیگری بود، کتابی در ردّ بر آنان نگاشت. در این کتاب - که نامش المطاعن المجرمیة بود، و امروزه نسخه‌ای از آن در دست نداریم - به جریان قصه‌خوانیهای موجود در جامعه نیز پرداخت؛ و آنها را به دلیل دروغ‌پردازیهایشان انکار کرد. شاگرد وی، که محمد بن اسحاق ابهری است، در کتاب انیس المؤمنین از مطاعن المجرمیة مطالبی را نقل کرده است.

این کتاب در شرح حال ائمه اطهار علیهم السلام بوده و با استفاده از مآخذ متعدد به نگارش درآمد. محقق کرکی در این کتاب از اخبار نادرستی که در ابو مسلم‌نامه‌ها آمده و قصه‌خوانان آنها را می‌خوانند یاد کرده، و شدیداً به انکار آنها پرداخته است. در

۱. محمد بن اسحاق ابهری، انیس المؤمنین، تصحیح میرهاشم محدث، ص ۱۴۳-۱۴۵.



موجود است.<sup>۱</sup>

نسخه‌ای که ما در این جا معرفی می‌کنیم، حاوی این دو رساله، به ضمیمه رساله دیگری است با عنوان خلاصه الفوائد، که در میان همین هفده اثر از آن یاد شده است.

این مجموعه، که با شماره ۴۰۱۴ در کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نگهداری می‌شود، شامل چندین رساله است. از میان این رساله‌ها تعدادی در رد بر صوفیه، و سه رساله آن، جزء همان هفده اثری است که شیخ آقا بزرگ از آنها یاد کرده است. رساله رد صوفیان، از ملا محمد طاهر قمی، امام جمعه قم، است که معاصر مجلسین بوده است.

رساله دیگر، سلوة الشیعة و قوه الشریعة است. این رساله از مطهر بن محمد مقدادی است، که احتمالاً، میرلوحی معروف است. این رساله نیز در رد بر صوفیه بوده و مشتمل بر فتاوی‌ای از علما بر ضد صوفیه است.

اینک درباره رساله‌ای که درباره ابومسلم و تحریم قصه خوانی از سوی علماست، توضیحاتی می‌آوریم. سید احمد بن زین العابدین علوی عاملی، کتاب اظهار الحق و معیار الصدق را در سال ۱۰۴۳ق نگاشته است. وی صاحب تألیفاتی چند است، که از جمله آنها، مصقل صفا، لوامع ربانی و لمعات ملکوتیه است. ایشان در آغاز رساله نوشته است:

«... که در سنه ثلاث و اربعین والف (۱۰۴۳) بعضی از اخوان صفا و خلان وفا<sup>۲</sup> سؤال نموده‌اند از حال ابومسلم مروزی به این که آیا بیابان‌نورد وادی بندگی و صحراگرد منهج مصطفوی و مسلک مرتضوی بوده تا سالکان مسالک دین و ناهجان مناہج یقین او را دوست دارند... یا بادیه‌پیمای راه ضلالت و بیهوده‌گرد سبیل غوایت بوده تا مؤمنان صادق و شیعیان موافق از او تبرا واجب دانسته...»

از این عبارت معلوم می‌شود که ماجرای ابومسلم و ابومسلم‌نامه‌ها در سال ۱۰۴۳ مطرح بوده است.

سید احمد در این رساله یازده صفحه‌ای درباره ابومسلم و نقش او در روی کار آوردن عباسیان سخن گفته است؛ و در خاتمه می‌نویسد:

«بدان که ابومسلم مروزی مردمان را به سمت بنی‌عباس درمی‌آورد و می‌گفت: هرکس از دین ایشان برگردد و ایشان را امیرالمؤمنین نداند، خون خود را مباح گردانیده باشد؛ و او را

باید کشت. مخفی نیست که بنابراین، آنها که به امامت ائمه هدا علیهم‌السلام قائل می‌بوده‌اند، خون ایشان را مباح می‌دانسته.»

گفتنی است که در مجموعه مورد نظر، پس از خاتمه این رساله، ضمن یک صفحه مطلبی آمده که ذیل آن را علی‌رضا الحسینی امضا کرده و اظهار برائت از ابومسلم و متصوفه کرده است، که ارتباط این دو مسئله را نشان می‌دهد:

«و اعتقادی فی ابومسلم آنه غال ملعون، و اعتقادی من المتصوفین انهم من اصحاب الاسماعیل؛ و من قوله: عفوت عنکم صلاة الصبح.»

میر محمد زمان بن محمد جعفر رضوی نیز صحیفه‌الرشاد را درباره ابومسلم نگاشته است. میر محمد با اشاره به درگیریهای اصفهان درباره ابومسلم، برای رفع آنها، تصمیم گرفته تا رساله‌ای درباره ابومسلم بنویسد و به اصفهان بفرستد. وی درباره ابومسلم و قصه خوانانی که او را در آن زمان دوستدار اهل بیت معرفی می‌کرده‌اند، می‌نویسد:

«بدان ای ناظر این رساله، و ای سامع این مقاله - صانک الله و ایانا عن الغوایة والضلالة - که آنچه قصه خوانان می‌گویند که ابومسلم مروزی دوست اهل بیت علیهم‌السلام بوده و از امام محمد باقر - صلوات الله علیه - رخصت خروج یافته، همه دروغ است و ساخته و افترا بر بافته...»

آن‌گاه درباره نسب ابومسلم و نقش او در برپاساختن خلافت بنی‌عباس مطالبی را آورده است. او در ادامه کسانی را که مردم را به مجالست با قصه خوانان و شنیدن آنها دعوت می‌کنند، مذمت کرده است.

عبدالمطلب بن یحیی طالقانی نیز خلاصه الفوائد را درباره ابومسلم تألیف کرده است. نویسنده کتاب مفصلی در این باره داشته با عنوان فوائد المؤمنین. از آن کتاب آگاهی نداریم، اما این اثر خلاصه همان کتاب است؛ و در واقع مفصلترین رساله‌ای که در این باره در اختیار داریم. این رساله از برگ ۱۱۶ تا برگ ۱۴۰ همان مجموعه است.

این کتاب در چندین باب تنظیم شده است: باب اول: در سبب تألیف جمعی پیرامون ابومسلم؛ باب دوم: در آن که واجب

۱. الذریعه، ۴/ ۱۵۰-۱۵۱.

۲. عده‌ای از حکمای قرن چهارم قمری هستند که استوارترین قدمها را در نزدیک کردن حکمت یونانی و شریعت اسلامی برداشتند.

علمی جامعه عصر صفوی این هدف را تحقق بخشند. در این میان، ملا محمد باقر مجلسی در جایگاهی رفیع قرار دارد؛ چراکه در آن روزگار با مشاغل متعدد سیاسی - اجتماعی که بر عهده داشت و با تدریس و تربیت بیش از هزار شاگرد، که هریک از عالمان بزرگ گشته‌اند، و نیز در کنار تألیف و تصنیف آثار بسیار سودمند و جاودانه‌ای چون بحارالانوار، مرآة العقول، ملاذالآخیر و کتابهای فارسی‌ای که قبلاً نام بردیم،<sup>۱</sup> توانست محققان، شاگردان، کارگزاران، کاتبان و دست‌اندرکاران را ترغیب و تشویق کند که به تصحیح و تکثیر کتب اربعه<sup>۲</sup> و گاه متون قدیمی شیعه پردازند.

در خاتمه یاد آور می‌شود که نزدیک به چهل مجلد از نسخه‌های اصلی کتاب عظیم‌القدر بحارالانوار، به خط مبارک علامه مجلسی (ره) در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی نگهداری می‌شود.

است دشمن بودن با مخالفان؛ باب سوم: در بیان مذهب ابومسلم. تا می‌رسد به باب دهم کتاب، که درباره اخبار بنی عباس و ابومسلم و کشته شدن وی و ظلم بنی عباس به اهل بیت علیهم‌السلام است. وی درباره سبب نگارش درباره ابومسلم می‌نویسد:

«بدان ای محب شاه مردان که قصه خوانان از خدا بی‌خبر، قصه در تعریف ابومسلم مروزی ابر بسته بودند و آن را شهرت داده و عوام الناس را به آن سخنان دروغ دوست و هوادار او گردانیده، و اکثر علمای عصر را اطلاع بر اختراع ایشان نبود.» او در ادامه به درگیریهای اصفهان میان سید میرلوحی و دیگران اشاره کرده، و این که وی بر ضد ابومسلم کتاب نوشت و کسانی با وی مخالفت کردند؛ از جمله به کتابی اشاره می‌کند که شخصی با عنوان مشاین، اهل اصفهان، نگاشته و در آن به بدگویی از مردم اصفهان پرداخته، و گفته است: «آنها با آن که شیعه هستند، در این باره با میرلوحی مخالفت می‌کنند.» شخص دیگری در پاسخ به این کتاب، میزان‌المحاسن و المشاین را نگاشته، و در آن آورده است: «کتاب مشاین را زعم آن است که تمام اهل اصفهان با سید مشارالیه دشمن‌اند؛ غلط کرده.» آن‌گاه به دفاع از اهل اصفهان پرداخته و گفته است که تنها عده اندکی با میرلوحی بر سر قصه ابومسلم مخالفت دارند.

مؤلف کتابهایی را که در این باره نوشته شده فهرست کرده است، و ضمن نام بردن از آن هفده اثری که نام بردیم، چند کتاب دیگر نیز برمی‌شمرد؛ از جمله: هادی الصبیان الی طریق‌الایمان، زینة مجالس المؤمنین، مشاین اصفهان، میزان‌المحاسن و المشاین. آن‌گاه وی با استناد به کتابهای تاریخی و ذکر روایت و آثار و اخبار، نقش ابومسلم را در دوره اسلامی نمایانده، و در پایان نیز مجدداً مردم را از شنیدن دروغ‌گوییهای قصه‌خوانان پرهیز داده است.

این حرکت فرهنگی اقدام شایسته‌ای بود برای دفاع از سلامت فرهنگی جامعه از تیررس دروغ‌گویان و تحریف‌گران، که پیش از دوره صفوی این ابومسلم‌نامه‌ها را ساخته بودند و مردم را در هرکوی و برزن بدانها سرگرم می‌ساختند.

از سوی دیگر، عالمان شیعی هم‌زمان با اقدامات یادشده، حرکت گسترده‌تری را به منظور تعمیق و ترویج و اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی آغاز نمودند؛ و با تکثیر و احیای متون عربی، به ویژه حدیثی و روایی، توانستند با بالابردن سطح

۱. مجموعه رسائل فارسی علامه مجلسی، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی؛ مجموعه رسائل اعتقادی فارسی، و نیز دو رساله فارسی دیگر، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی مشهد.

۲. البته نباید از نظر دور داشت که نه تنها در زمان ما کتب اربعه دستنویس قبل از قرن نهم هجری بسیار نایاب است، بلکه با بررسیهای به‌دست آمده چنین به نظر می‌رسد که در عصر مجلسی نیز نسخه‌های قدیمی آن انگشت‌شمار بوده‌اند. از این رو، اهتمام ویژه‌ای به تکثیر آن داشته‌اند.